

بازشناسی تئوری های امنیت شهری در فضاهای عمومی از نگاه نظریه پردازان

امیررضا سلیمی: کارشناس ارشد سازه های هیدرولیکی، دانشگاه پیام نور مرکزی
 sghf.sghfarchitects@gmail.com

چکیده

از آنجایی که احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از مهم ترین شاخص های کیفیت زندگی محسوب می شود و به رغم آن که مسئله امنیت در هر جامعه ای، یک مسئله پیچیده و دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، در تامین این نیاز نباید از نقش و تاثیر عوامل محیطی غافل شد. مطالعات و دیدگاه های مختلف نشان می دهند که کاهش و کنترل جرائم شهری نسبت معناداری با مشارکت، نظارت، مالکیت و استفاده دائم کاربران از فضا دارد؛ توجه به ریزه کاری های فضایی و روابط اجتماعی به جای سیاست های سخت پلیسی می تواند کارگشا باشد. از مهم ترین نگرش های جدید در این زمینه می توان به دیدگاه پنجره شکسته، سفر مجرمانه، کانون های جرم خیز، الگوی جرم، فضای مقاوم در برابر جرم، پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی CPTED، فعالیت روزمره و انتخاب منطقی اشاره نمود که عموماً از دهه ۱۹۷۰ به بعد مطرح شده اند. در این پژوهش به شیوه مطالعه اسنادی، این نظریات مورد بررسی قرار گرفته و به واسطه نگاه مقایسه ای مورد نقد قرار گرفته اند. سپس این نظریات و مفاهیم کلیدی مستتر در آن ها در قالب یک جدول مورد جمع بندی قرار گرفته است که مطالعه بیشتر بر روی آن ها گواه این مطلب است که نظریه پردازان این حوزه، برای افزایش امنیت در فضاهای شهری، استفاده از راهکارهای اجتماعی و الگوهای صحیح طراحی را موثرتر از دیگر شیوه های قانونی و کیفی می دانند. همچنین طبق مفاهیم کلیدی استخراج شده از این نظریات، پارامترهای کنترل اجتماعی و خلق فضاهای قابل دفاع، از بیش ترین فراوانی در میان دیگر مفاهیم کلیدی برخوردار بوده اند.

کلید واژگان: امنیت، فضای عمومی، امنیت شهری، شهر

مقدمه

امنیت شهری یکی از مؤلفه های مهم و ضروری در زندگی شهری محسوب می شود که باید آرامش و احساس ایمنی را در فضاهای شهری برای شهروندان فراهم آورد (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۴:۴۶۳). وجود امنیت در فضاهای عمومی از شاخص های کیفیت زندگی شهری است (گلی و همکاران، ۱۳۹۴:۹۸). از آنجایی که احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از مهم ترین شاخص های کیفیت زندگی محسوب می شود و به رغم آن که مسئله امنیت در هر جامعه ای، یک مسئله پیچیده و دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، در تامین این نیاز نباید از نقش و تاثیر عوامل محیطی غافل شد. آرامش، رشد، شکوفایی انسان، بروز همه استعدادها و خلاقیت ها و نیل به همه کمالات انسانی در سایه امنیت به دست می آید (قرایی و همکاران، ۱۳۸۹:۱۷). افزایش امنیت در شهرها، افزون بر مزایای ظاهری چون تقویت هویت، سرزندگی، کارآیی و زیبایی فضا، این مزیت را دارد که مردم در فضای ایمن حضور مؤثری دارند و زندگی، فعالیت، سرمایه گذاری و کسب و کار رونق بیشتری می گیرد و در نتیجه از نظر مالی و اقتصادی شاهد رشد روز افزون تری خواهیم بود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰:۵۲).

وجود محیطی امن برای زندگی در کنار سایر نیازهای اساسی فیزیولوژیکی انسان مثل غذا، سرپناه و بهداشت از ضروریات و نیازهای اصلی انسان است. احساس نا امنی در محیط و نگرانی های ناشی از مکان های نا امن، سایر فعالیت های انسانی را تحت الشعاع قرار می دهد و در چنین محیطی امور اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به درستی انجام پذیر نخواهد بود. رفتار انسان در فضا و مکان های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در بسیاری از موارد، فضا محرک انسان در بروز رفتارهای خاص است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳:۴۱). فضاهای عمومی شهری به عنوان کانونی که اقشار مختلف مردم در آن حضور می یابند، نیازمند طراحی آگاهانه هستند، به نحوی که رضایت مخاطبان را جلب نماید. یکی از معیارهای فراهم نمودن آسایش شهروندان در چنین فضاهایی، ارتقای امنیت محیطی است (ایزدی و حقی، ۱۳۹۴:۶). فضای شهری بیش از هر فضای دیگری، عرصه کنش های متقابل اجتماعی و محصول فرآیندهای تاریخی اجتماعی و فرهنگی جامعه است؛ هر کدام از این عوامل به عنوان نیرویی مؤثر در تولید فضاهای کالبدی شهر هستند. بنابراین برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از احساس امنیت، اهمیت فزاینده ای یافته است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵:۸۸).

ضرورت و اهداف پژوهش

رشد شتابان جمعیت شهرها منجر به بروز مشکلات و مسائل پیچیده به ویژه وقوع انواع ناهنجاری های اجتماعی شده است. افزایش جرم و جنایت در شهرها امنیت و آسایش شهروندان را تهدید می کند و انسجام جامعه را مختل می سازد. از این رو اقدامات علمی و عملی جهت کاهش ناهنجاری ها در جامعه ضرورت می یابد. تمامی اندیشمندان بر این نکته توافق دارند که جهت کاهش جرائم بایستی با عوامل و ریشه های جرم مبارزه شود. انگیزه، زمان و مکان سه عامل اصلی بروز جرائم هستند بنابراین تفاوت در ویژگی های مکانی و زمانی و الگوهای رفتاری توزیع فضایی متفاوت بزهکاری در سطح شهرها را پدید می آورد و از آنجا که مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می کنند، مکان هایی را جهت اعمال مجرمانه خود بر می گزینند که ارتکاب جرم با خطر کمتر و سرعت بیشتر امکان پذیر باشد. از این رو ساختار کالبدی شهرها در بروز جرائم تاثیر بسزایی دارد و تغییر در مشخصه های مکانی منجر به شکل گیری الگوهای زمانی و مکانی خاص بزهکاری می شود.

پیشینه پژوهش پیرامون امنیت شهری

گروه VWG در سند شهرهای جهانی با اشاره به راهکارها، راهبردها و مکانیزم های مداخلات شهری برای ایجاد یک ایمن شهر، توجه به تمامی مولفه های مطلوبیت زندگی در شهر را در ابعاد اقتصادی اجتماعی و کالبدی مورد اشاره قرار می دهد و به بررسی آن در سطح جهان می پردازد. جامع ترین تحقیق درباره امنیت و مولفه های اجتماعی و اقتصادی و محیطی را باید سندی دانست که با همکاری ارگان ایمن شهر (هایتات) و ارگان USL به انجام رسیده است و معطوف به ارائه اهداف، روش شناسی، راهبردها و راهکارهایی است که به افزایش مولفه های امنیت سازی شهری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی می پردازد. بیلر (۲۰۱۱) در پایان نامه ای با عنوان "برنامه ریزی برای امنیت فضاهای عمومی"، به ارزیابی و سنجش امنیت در فضاهای عمومی شهر برلین پرداخته است. از جمله شاخص های مورد بررسی در این پژوهش می توان به علائم، مالکیت، استراحتگاه، تنوع مکان های نشستن، روشنایی، اغذیه فروشی ها، تزئینات بصری و هنری، دسترسی، خرد اقلیم، ناحیه تجاری، دوربین های امنیتی و ... اشاره کرد.

پژوهش های صورت گرفته در ایران نیز بیشتر معطوف به مولفه های جرم خیزی شهری و میزان جرائم در سطح شهر در میان اقشار اجتماعی بوده است. در این میان می توان به تحلیلی پیرامون شرایط محیط اجتماعی و طبیعی استان کردستان در ارتباط با بزهکاری اشاره کرد که با استفاده از روش های مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه به بررسی پدیده جرم خیزی در سطح استان کردستان پرداخته است. همچنین می توان به تحقیقی درباره جرم خیزی و مصرف مواد در شهرهای آسیب دیده از سوانح طبیعی اشاره داشت که به وسیله فرهودیان و دیگران (۱۳۸۳) در حمایت دفتر مواد و جرائم سازمان ملل (UNODC) صورت گرفته است و یا می توان به تحقیق مساواتی آذر (۱۳۷۴) درباره آسیب شناسی اجتماعی ایران در سطح کشور و معطوف به استان آذربایجان شرقی اشاره داشت. همچنین نظم فر و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان ارزیابی امنیت در فضاهای عمومی شهری در پارک های شهر تهران نشان دادند که پارک سهند دارای امنیت بسیار بالا و پارک های لویزان، چیتگر و سرخه حصار به طور مشترک فاقد امنیت می باشند. محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان "فضاهای بی دفاع شهری و خشونت"، به ارزیابی جرائم در ۱۲ فضای عمومی شهر تهران پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد که عدم روشنایی، عدم تراکم ساختمانی، وجود نقاط فرو رفته یا برآمده و ... در بروز انواع جرائم و خشونت ها مؤثرند.

روش تحقیق

یافته های پایه ای این پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه ای از کتب و مقالات و پایان نامه ها می باشد که به شیوه تحلیلی-توصیفی به بررسی شاخص های امنیت شهری پرداخته و از طریق بررسی تئوری های مختلف این حوزه از نگاه نظریه پردازان، به ارائه راهکارهایی برای ارتقای امنیت پرداخته شده است.

مبانی نظری پژوهش امنیت و تعاریف کلی

واژه "امنیت" در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است: "شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می شود" (کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۸۷). بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو در ۱۹۶۸، امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه ای برای تعالی انسان تلقی می شود (الیاس زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹: ۴۴). تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی "احساس آزادی از ترس" یا "احساس ایمنی" که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تاکید دارند (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۶). امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی می باشد که بعد ذهنی بیشتر به مؤلفه های اجتماعی و بعد عینی به مؤلفه های فیزیکی و کالبدی باز می گردد. در بعد عینی، امنیت به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمنی برای حفاظت از ارزش های اصولی و حیاتی ملی است؛ از بعد ذهنی، امنیت به معنای احساس امنیت و ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم می باشد (خوش فر، ۱۳۸۴: ۲۷۱).

امن بودن فضا خود دارای دو مؤلفه است؛ ایمنی و امنیت. مؤلفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی است که در صورت عدم تامین شرایط مطلوب وقوع حوادث اجتناب ناپذیر است و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد نمود (Kelly et al, 2009: 2). مؤلفه امنیت نیز اشاره به جرایم علیه اشخاص و اموال آن ها دارد که در صورت عدم تامین شرایط پیشگیری کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد نمود.

یافته های پژوهش

امنیت شهری

مفهوم امنیت در هنگام ادراک، دارای ابعاد ذهنی و عینی می باشد، به گونه ای که واقعیت های موجود در این زمینه، که معمولاً با اعداد و ارقامی راجع به میزان وقوع جرم و جنایت بیان می شوند، همیشه در تطابق کامل با میزان احساس امنیت ساکنین (امری ذهنی و روانی) نمی باشد. امنیت از بعد ذهنی ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم و دولت از آسیب پذیری و تهدیدات امنیتی دارد (نظری، ۱۳۸۹: ۳۹).

تقریباً از دهه ۱۹۷۰ میلادی و به دلیل رشد شتابان جمعیت شهری و افزایش بی رویه ناهنجاری های اجتماعی در شهرها، توجه ویژه ای به بررسی های مکانی جرائم شهری به وجود آمد. سپس موضوع پیشگیری از جرائم بسط داده شد و به پیشگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی توجه ویژه شد. تا جایی که برخی طرفداران جلوگیری جمعی از جرم، نظر جیکوبز را در نظم اجتماعی طبیعی و غیر رسمی انتخاب نمودند و هیچ نیازی به نهادهای ثانویه همچون پلیس برای کاهش ترس نمی دیدند (Renauer, 2007: 41-42).

در عصر حاضر، محیط های نامطلوب شهری، مشکلات بسیاری را برای امنیت شهروندان ایجاد کرده و در رشد آسیب های اجتماعی موثر بوده اند. با گسترش این آسیب ها، امنیت رنگ می بازد و بر میزان جرم افزوده می شود؛ مردم در کنش های اجتماعی محتاطانه عمل می کنند و با هر اتفاقی، ترس و دلهره آنان دو چندان شده در نتیجه احساس ناامنی می کنند (Day et al, 2003: 311). کمبود روابط اجتماعی بین ساکنان، عدم مشارکت و استفاده از فضاهای سبز جمعی، تراکم ساختمانی بیش از حد، دسترسی نامناسب به خدمات عمومی، انقطاع دید به واسطه ساختمان های بلند و ناهماهنگی با بافت اطراف از نقاط ضعف فضاهای عمومی و بافت مسکونی شهری به حساب می آید. نکته حائز اهمیت آن است که بسیاری از عوامل موثر در امنیت یک فضای شهری را می توان منتج از شرایط کالبدی آن دانست. فقدان روشنایی مناسب، آلودگی و اغتشاش بصری، ترافیک و غیره از جمله عوامل کلیدی هستند که بر امنیت فضا تاثیر می گذارند. از این رو ضرورت دارد این عوامل شناسایی شوند و راهکارهای مناسبی برای بهبود وضعیت آن ها ارائه گردد.

یک فضای شهری امن در معنای کامل آن، شامل هر دو مؤلفه ایمنی و امنیت می شود و شرایطی که از فصل مشترک این دو به وجود آید را می توان یک فضای شهری امن توصیف کرد (Rothrock, 2010: 9). بنابراین فضای شهری امن از ویژگی ها و مؤلفه های عینی و کالبدی متعدد و گسترده ای برخوردار است که بعضاً دارای تاثیرات متقابل نیز هستند. اما علاوه بر این ها یک فضای شهری امن، مستلزم تعاملات اجتماعی نیز هست. چنان که آرامش و امنیت شهرها صرفاً به وسیله پلیس تامین نمی شود. بلکه آرامش و امنیت عمدتاً به وسیله ایجاد شبکه پیچیده و تقریباً ناخودآگاهی از نظارت ها و رعایت داوطلبانه هنجارها در میان خود مردم حفظ می شود و به وسیله خود مردم اجرا می گردد. گفته می شود که جرم یکی از مسائل اصلی تهدیدکننده کیفیت زندگی شهری است، به همین دلیل افراد از مکان هایی که توأم با خطر شخصی و جانی است دوری می جویند (Blobaum & Hunecke, 2005: 465). افزایش امنیت در شهرها، افزون بر مزایای ظاهری چون تقویت هویت، سرزندگی، کارایی و زیبایی فضا، این مزیت را دارد که مردم در فضای ایمن حضور موثرتری دارند و زندگی، فعالیت، سرمایه گذاری و کسب و کار رونق بیش تری می گیرد و در نتیجه از نظر مالی و اقتصادی شاهد رشد افزون تری خواهیم بود و برعکس فضاهای نا امن، دافع مردم و سرمایه گذاران خواهد بود. (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۲).

فضاهای عمومی شهری

فضای عمومی، فضایی است که در آن با غریبه ها سهیم هستیم. مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، داد و ستد، ورزش و فضایی برای همزیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیرشخصی (مدنی پور، ۱۳۸۴، ۲۱۵). در حقیقت فضای عمومی، آن دسته از فضاهای شهری می باشد که برای عموم مردم در همه زمان ها و برای انواع فعالیت های عمومی قابل دسترس باشد (نقی زاده، ۱۳۹۰، ۷۹). در چنین فضاهایی مردم می آموزند سایرین را در برخورداری از فضا سهیم بدانند. سابقه چنین فضاهایی به آگورا های یونانی به عنوان مکانی برای انواع فعالیت های اجتماعی و تجاری و آمفی تئاترهای رومی باز می گردد که مکان های ابتدایی برای نشست ها، گردهمایی ها، جشن ها و برگزاری مراسم و آیین ها به شمار می رفته اند (پورجعفر و محمودی نژاد، ۱۳۸۸، ۷۴). اولدنبیگ به این فضا، واژه مکان سوم، یعنی فضایی در کنار خانه و محل کار اطلاق می نماید، فضایی که میزبان تجمعات داوطلبانه افراد می باشد (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۰، ۳۵).

امنیت در فضاهای عمومی شهری

سوزان آجوک (دبیر دپارتمان جلوگیری از جرائم شهری در سطح محله ای شهر پترزبورگ) به فرآیند پیشگیری قبل از درمان در احتمال وقوع جرائم اشاره می کند و یکی از رسالت های طراحی شهری و معماری فضاهای شهری را کاهش پتانسیل های طبیعی جرم خیزی مناطق می داند. بر این اساس می توان این رویکرد را یک رویکرد ترکیبی در طراحی ساختار کالبدی شهر دانست که از طریق آرایش و طراحی کالبد شهر برای جلوگیری از ارتکاب جرائم و یا کاهش آن بهره می برد. بانک جهانی نیز بر این باور است که این روش طراحی، این امکان را فراهم می کند که شهروندان، نماینده ای کلیدی در ایجاد امنیت خویش باشند که از مشارکت سازی اجتماعی در جلوگیری و کاهش جرائم بهره می برد. پت ترلا (۲۰۰۴) سه رکن اساسی پیشگیری از جرم را در حوزه قانون، پیشگیری های اجتماعی و برنامه ریزی و طراحی های مناسب محیطی می داند که بدون توجه به آن نمی توان از جرائم قابل انتظار در محیط کاست.

تحقیقات نشان می دهد که ترس از جرم در یک جامعه به عنوان یک عامل نفاق، مشکلی بزرگتر از خود جرم است. مردم اغلب از جاهایی که احساس در معرض خطر بودن، آسیب دیدن و به طور کلی ناامن بودن دارند، دوری می کنند و به تدریج این محیط ها متروک می شوند. اگرچه در ابتدا واقعا ناامن نبوده اند، اکنون به مکان هایی برای سو استفاده و فعالیت های مجرمانه تبدیل می شوند. بنابراین ایجاد محیطی که مردم را جذب و تشویق به پیاده روی بدون ترس و حس ناامنی نکند، در واقع شمار مردم ناظر را افزایش می دهد که این نیروی مردمی برای امنیت خود مردم، بسیار قوی عمل می کند و کیفیت زندگی در آن محیط را افزایش می دهد (Lubuvu & Mtani, 2004, 16).

جرم هایی که عموماً در فضاهای عمومی شهری رخ می دهند شامل جیب بری، کیف قاپی، وندالیسم (صدمه زدن های مجرمانه) سرقت وسایل نقلیه، حمله های بدنی خفیف و ترساندن و نظایر آن ها می شود. اما بیشتر رفتارها و اعمالی که گروه های زیادی از استفاده کنندگان را از مراکز شهری می ترساند، اعمالی است که گرچه به طور اصولی جرم نیست، اما باعث بی نظمی عمومی می شود، مانند حضور معتادان یا ناسزا گویی افراد (الیاس زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹، ۴۶). تکرار مناظر آشنا در فضاهای عمومی شهری، نه تنها حس غربت و اضطراب آن را از بین می برد، بلکه به مردم در مسیریابی کمک می کند و از گم شدن احتمالی و ترس ناشی از آن جلوگیری می کند. همچنین این مساله علاوه بر ساخت اماکن و فضاهای آشنا، می تواند در قالب مبلمان شهری با سبک های آشنا نظیر نیمکت ها و سطل ها، کیوسک های تلفن و ایستگاه های اتوبوس و نظایر آن که از جمله عناصر الحاقی به محیط محسوب می شوند، نیز قابل حصول باشد. البته استفاده از سبک های آشنا به معنی نفی طرح های مدرن و نوآوری نخواهد بود و در واقع نکته مهم در ترکیب کردن سبک های آشنا و جدید به طوری که برای مردم قابل درک و استفاده باشد، است (الیاس زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹، ۴۸).

تئوری های طراحی ایمنی

جیکوبز در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی، سه مشخصه لازم برای ایجاد شهری امن را این گونه توصیف کرده است:

۱. تعیین حدود واضح فضاهای عمومی و خصوصی

۲. تنوع کاربری و اختلاط آن ها در سطح شهر

۳. سطح بالایی از کاربری پیاده در پیاده روها.

رند (۱۹۷۹) چهار تئوری را برای پیشگیری از جرم در طراحی بیان کرده است: کنترل اجتماعی، کنترل محصوریت/ دسترسی، عدالت کیفری و فضای دفاع پذیر. تمامی این تئوری ها بر پایه یک قضیه ثابت شده اند که مسکن سازی چندگانه اثرات جانبی اجتناب ناپذیری دارد که برخی اوقات نامطلوب اند. گاردینر (۱۹۷۸) اشاره کرد که طراحی برای دفاع و محافظت از خانه مقوله جدیدی نیست، بلکه خیلی هم قدیمی شده است؛ اگر چه به جای دفاع در برابر یک دشمن شناخته شده خارجی، دشمن حالا چیزی در میان جامعه است. گاردینر برای طراحی یک محیط امن، سه مدل مفهومی را ارائه می کند؛ روستای شهری، دژ شهری و فضای حفاظت پذیر. این دسته بندی ها با تئوری های پیشنهادی رند متناظرند. روستای شهری با کنترل اجتماعی و دژ شهری با کنترل محصوریت و عدالت کیفری متناظر است.

اسکار نیومن در کتاب خلق فضاهای قابل دفاع (Newman, 1972, 54-86) اشاره می کند که شهروندان باید ببینند و دیده شوند و مشتاق به گزارش وقوع جرائم شهری باشند. وی این پیشنهاد را طرح می کند که جامعه نه توسط پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه هایی خاص سهیم اند، تعریف گردد. نیومن سه فاکتور افزایش جرم را برای محله های مسکونی این چنین بر می شمرد؛

- بیگانگی؛ به طوری که مردم همسایه های خود را نمی شناسند

- عدم وجود نظارت؛ مردم مکان های وقوع جرم و احتمال آن را بدون آن که مجرم دیده شود میسر می کنند.

- در دسترس بودن راه فرار؛ که امکان ناپدید شدن و فرار مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن می سازد.

نیومن متوجه رابطه بسیار نزدیک فقدان قلمرو و نظارت آشکار بر فضا با میزان جنایت شد. جنبه های دیگری نیز ممکن است بر امنیت اثرگذار باشد؛ مثل نزدیکی به ایستگاه پلیس یا منطقه تجاری شلوغ. البته نظریه پردازان بی شماری این عوامل را تایید می کنند و آن ها را لازمه ایجاد فضای دفاع پذیر در عرصه های شهری می دانند. همه تدابیری که برای ایجاد یا تقویت فضاهای دفاع پذیر در نظر گرفته شده اند، هدف مشترکی دارند و با هماهنگی برنامه های تعریف شده، به گونه ای مطلوب در جهت رسیدن به این اهداف تعریف شده عمل می کنند؛

۱. بازسازی چیدمان فیزیکی اجتماعات به این معنا که به ساکنان اجازه می دهد فضاهای اطراف خانه هایشان را کنترل کنند. این فضاها شامل خیابان ها، زمین های بیرون ساختمان هایشان - لابی ها - و کریدورهای درونشان است.

۲. این برنامه ها به مردم کمک می کند تا آن دسته از فضاهایی را که آن ها به طور معمول ارزش ها و سبک زندگی شان را در آن فضا درک می کنند، به خوبی حفظ نمایند.

به دنبال ایده های نیومن، پوینر (۱۹۸۲) مفاهیم طراحی را استنتاج نمود و به شکل الگوهایی خلاصه نمود. هدف این الگوها، کاهش فرصت ارتکاب جرم توسط حذف اهداف، تغییر قابلیت دسترسی و افزایش طبیعی کیفیت های نظارتی هم برای طراحی و هم برای طرح بندی می باشد. پوینر نیز از ایده جوامع مطلوب حکایت

کرد و بیان نمود که برخی از مسئولیت های قانونی مشارکتی یا مدیریت مشترک برای خیابان ها باید در یک محله نیز به کار آیند. وی اظهار می دارد که ایجاد محله های همگن باید با جداسازی مسکن سازی از کاربردهای تجاری و مسکن سازی غنی از ضعیف تقویت گردد.

کلمن (۱۹۸۵) پژوهشی را با بررسی رابطه میان رخدادهای جرم و جنایت و طراحی محیط ساخت برای دفترخانه انجام داد. مانند نیومن و پوپنر، او نیز یک رویکرد را اتخاذ نمود. وی پیشنهاد کرد که ساختارهای خاصی از طراحی، سطوح بالای جرم و جنایت و تفکیک و از کار افتادگی اجتماعی را ترغیب می کنند. او ۲۸ متغیر خاص طراحی (۱۶ مورد برای آپارتمان ها و ۱۲ مورد برای خانه ها) را معرفی نمود که بر طبق نظر وی با تنزل تصاعدی محیط، خانواده، مشکلات بهداشتی و جرم و جنایت در ارتباط اند. وی ادعا می کند که با شدت یافتن هر یک از این متغیرها و از آنجایی که این متغیرها معمولاً به صورت ترکیبی رخ می دهند، محیط به تدریج خراب و خراب تر می شود. کلمن استدلال می کند که با تغییر طرح های معماری به چیزی شبیه "هنجار تکامل طبیعی" در دوره بین جنگ، آداب و رسوم اجتماعی قابل توجهی برای انعکاس دوره جرم و جنایت پایین آغاز خواهد شد.

جرج کلینینگ و ویلسون (Willson, 1982, 29-38) با ارائه تئوری "پنجره های شکسته" بیان می دارند که بیشتر جرائم به دلیل وجود پتانسیل های طبیعی جرم خیزی مناطق شهری، امکان تحقق می یابند. چنان چه به زعم ایشان، در واقع این پنجره های شکسته هستند که فرصتی را برای ارتکاب و احتمال وقوع جرائم در سطح شهر، فراهم می آورند. آن ها اعتقاد داشتند که غافل ماندن از جرائم خرد، زمینه را برای وقوع جرائم بزرگ تر فراهم می کند. یک پنجره شکسته و مرمت نشده، دال بر این است که کسی به آن اهمیت نمی دهد و بنابراین شکستن پنجره های بیشتر نیز هزینه ای را به کسی تحمیل نخواهد کرد. اگر یک پنجره شکسته بدون تعمیر رها شود، مردم به این نتیجه می رسند که برای هیچ کسی اهمیتی ندارد و کسی مراقب آنجا نیست. سپس اگر پنجره های بیشتری شکسته شوند، آن گاه فقدان کنترل و ناامنی از ساختمان به خیابان سرایت می کند و به هر عابری این پیغام فرستاده می شود که آنجا بی صاحب است. به طور خلاصه، نظریه پنجره های شکسته عنوان می کند که بی توجهی به اخلاق در نظم عمومی و اعمال تخریبی چون نوشتن و کشیدن اشکال روی دیوارها، ریختن زباله، تخریب اموال عمومی، نوشیدن مشروبات الکلی در انتظار عمومی، گدایی و ولگردی حاکی از عدم توجه به بزهکاری است و موجب می گردد زمینه برای جرائم مهم تر فراهم شود.

پل براتینگهام در کتاب جرم شناسی (Brantingham, 1981, 54) احتمال وقوع جرائم را از طریق ایجاد فرصت هایی می داند که از ناسامانی طراحی محیط مصنوع و ناکارآمدی قوانین و استانداردها حاصل می شود.

کلارک و می هیو (Clark; Mayhew, 1984) نقش موانع طبیعی و بازدارنده های موقعیتی را در کاهش فرصت دهی برای تجاوزات و جرائم شهری مطرح می کند.

تحلیل یافته های پژوهش

مطالعات و دیدگاه های مختلف نشان می دهند که کاهش و کنترل جرائم شهری نسبت معناداری با مشارکت، نظارت، مالکیت و استفاده دائم کاربران از فضا دارد؛ توجه به ریزه کاری های فضایی و روابط اجتماعی به جای سیاست های سخت پلیسی. به عنوان مثال مسئولین شهری نیویورک به این نتیجه دست یافته بودند که بیش تر شدن سیاست ها و افزون شدن بازداشت ها راه حل مشکل ناامنی نیست، بلکه در عوض برای پاکسازی و جلوگیری سیستماتیک از ناامنی، پرسه زدن ولگردها و اوباش، صدمه زدن به اموال عمومی و همچنین نکشیدن گرافیتی روی واگن ها و در و دیوار مترو، باید نیروهای امنیتی از این مطمئن می شدند که همه افراد داخل مترو بلیط خود را خریداری کرده اند و به طور غیرقانونی وارد ایستگاه نشده اند. از این رو حضور پرسه زن ها، ولگردها و آواره ها در مترو ریشه کن می شد. در واقع آن ها به این نتیجه رسیده بودند که بزرگ ترین پنجره شکسته، سرپیچی بعضی افراد از خرید بلیط و پرداختن کرایه سوار شدن به قطار بود. علاوه بر این تدابیر، دگرگونی در متروی نیویورک به کمک طراحی نشانه ها و جزئیات گرافیکی نیز شروع شد تا نظم و قانون بهتر استقرار یابد. با توجه به تعدد و تنوع تئوری های مربوط به موضوع امنیت شهری، در جدول زیر به جمع بندی و طبقه بندی این نظریات پرداخته شده است:

جدول ۱- طبقه بندی تئوری های امنیت شهری در فضاهای عمومی - منبع: نگارنده

نظریه پرداز	سال	تئوری / کتاب	مفاهیم کلیدی
جین جیکوبز	۱۹۶۱	مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی	فضای عمومی و خصوصی - تنوع و اختلاط کاربری - پیاده مداری
رند	۱۹۷۹	پیشگیری از جرم در طراحی	کنترل اجتماعی - محصوریت/دسترسی - عدالت کیفری - فضای قابل دفاع
گاردینر	۱۹۷۸		روستای شهری - دژ شهری - فضای قابل دفاع
اسکار نیومن	۱۹۷۲	خلق فضاهای قابل دفاع	نظارت بصری - کنترل اجتماعی - فضای قابل دفاع - دسترسی
پوپنر	۱۹۸۲	جوامع مطلوب	محله همگن - تفکیک گونه های مسکن - کنترل اجتماعی
کلمن	۱۹۸۵	طراحی محیط ساخت	کنترل متغیرهای ناامنی - ساختار طراحی معماری
جرج کلینینگ و ویلسون	۱۹۸۲	پنجره های شکسته	پتانسیل های جرم خیزی - جرائم خرد - کنترل اجتماعی
پل براتینگهام	۱۹۸۱	جرم شناسی	ساختار طراحی معماری - عدالت کیفری
رای جفری	۱۹۷۱	پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی	فضای قابل دفاع - ساختار طراحی معماری

نتیجه گیری

از آنجا که امنیت، مولفه ای اساسی در توسعه پایدار انسانی به شمار می رود و افزایش رضایتمندی شهروندی و شکل گیری سرمایه اجتماعی را در ساختار شهری ممکن می کند، می بایست علاوه بر سنجش میزان واقعی امنیت، به ارزیابی و امکان دهی به شکل گیری مکان های امن شهری و در عین حال مقوله احساس امنیت از دید شهروندان نیز التفات داشت. در این میان بین امنیت واقعی و احساس امنیت ساکنان که از ادراک ذهنی نسبت به فاکتورهای امنیت بخش حاصل می شود، تفاوت فاحشی وجود دارد.

در این مقاله، به منظور دستیابی شفاف تر به عوامل موثر در افزایش امنیت شهری، نظریات و تئوری های مطرح شده توسط اندیشمندان این حوزه در قالب جدول شماره ۱ گردآوری و مفاهیم کلیدی هر نظریه استخراج گردید. در میان مفاهیم استخراج شده از این نظریات، پارامترهای کنترل اجتماعی و فضاهای قابل دفاع، از فراوانی بیش تری نسبت به دیگر پارامترها برخوردار بودند. این موضوع بیانگر آن است که دو پارامتر مذکور به عنوان عوامل ریشه ای ارتقای امنیت در میان نظریه پردازان محسوب شده و از اهمیت بالایی نسبت به راهکارهای قانونی، نظامی و کیفی برخوردارند. با نگاهی دقیق تر به نتایج به دست آمده، دو فاکتور کنترل اجتماعی و فضاهای قابل دفاع، هم عرض با یکدیگر بوده و به لحاظ عینی و ذهنی، هم امنیت محیطی را ارتقا بخشیده و هم منجر به ایجاد احساس امنیت در میان شهروندان خواهند شد.

منابع

۱. الیاس زاده مقدم، ن؛ ضابطیان، ا. (۱۳۸۹)، بررسی شاخص های برنامه ریزی شهری موثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴، صص ۴۳-۵۶.
۲. نظری، ا. (۱۳۸۹)، راه های مشارکت مردم در افزایش امنیت اجتماعی، ماهنامه دادرسی، شماره ۷۹، صص ۳۸-۴۴.
۳. کلانتری، م؛ حیدریان، م؛ محمودی، ع. (۱۳۹۰)، ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم یا طراحی محیطی، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۳، صص ۵۱-۷.
۴. ایزدی، م؛ حقی، م. (۱۳۹۴)، ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی با بهره گیری از طراحی شهری-نمونه مطالعه: میدان امام همدان، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۰، شماره ۲، تابستان.
۵. ماندل، ر. (۱۳۹۷)، چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۶. پورجعفر، م؛ محمودی نژاد، ه؛ رفیعیان، م؛ انصاری، م. (۱۳۸۷)، ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تاکید بر رویکرد CPTED. نشریه ی بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، شماره ۶، صص ۷۳-۸۲.
۷. پورجعفر، م؛ محمودی نژاد، ه. (۱۳۸۸)، طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای عمومی شهری، انتشارات هله، تهران.
۸. رفیعیان، م؛ عظیمی، م؛ مقدم، ح. (۱۳۹۰)، ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی ورونی. فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۶، صص ۳۳-۴۹.
۹. مدنی پور، ع. (۱۳۸۴)، طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیند اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۰. نقی زاده، م. (۱۳۹۰)، فضاهای باز شهری، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، چاپ اول، تهران.
۱۱. پورموسوی، م؛ سالاری سردری، ف؛ علیزاده، د؛ بیرانوندزاده، م و شاهینی فر، م. (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر ساختار فیزیکی-کالبدی فضاهای شهری بر امنیت محیطی (مورد مطالعه: منطقه ثامن شهر مشهد)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۴۶۳-۴۷۶.
۱۲. خوش فر، م. (۱۳۸۴)، بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات امنیت اجتماعی، جلد ۱، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
۱۳. سلطانی، ل؛ بیک محمدی، ح و حیدری، س. (۱۳۹۵)، تحلیل فضایی احساس امنیت در محلات مختلف شهری (مورد مطالعه: شهر قدس)، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۸۷-۱۰۴.
۱۴. قرایی، ف؛ رادجهانبانی، ن و رشیدپور، ن. (۱۳۸۹)، بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری (نمونه موردی: مناطق ۲ و ۱۱ تهران)، آرمان شهر، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۷-۳۲.
۱۵. گلی، ع؛ قاسم زاده، ب؛ فتح بقالی، ع؛ رمضان مقدم، ی. (۱۳۹۴)، عوامل موثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک ائل گلی تبریز)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال ۱۸، شماره ۶۹، صص ۹۸-۱۳۶.
۱۶. لطفی، ص؛ بردی انامراد نژاد، ر و ساسانی پور، م. (۱۳۹۳)، بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه موردی، کلانشهر شیراز)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۳۹-۵۶.
۱۷. صفایی پور، ز. (۱۳۹۸)، آسیب شناسی و بررسی عوامل موثر در امنیت فضاهای عمومی شهری (مورد پژوهشی: میدان ۲۲ بهمن شهر ایلام)، فصلنامه مطالعات عمران شهری، دوره ۳، شماره ۹.
۱۸. نظم فر، ح؛ علوی، س و عشقی چهاربرج، ع. (۱۳۹۷)، ارزیابی امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: پارک های شهر تهران)، فصلنامه برنامه ریزی آمایش فضا، دوره ۲۲، شماره ۲.
۱۹. قربانی فرد، س. (۱۳۹۹)، طراحی فضای شهری با رویکرد افزایش امنیت اجتماعی در بافت مسکونی، پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه پارس، تهران.
۲۰. محسنی تبریزی، ع؛ قهرمانی، س و یاهک، س. (۱۳۹۰)، فضاهای بی دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی: فضاهای بی دفاع شهر تهران)، نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴۴، صص ۵۱-۷۰.
21. Renauer, B. C (2007), Reducing Fear of Crime: Citizen, Police, or Government Responsibility? The Journal of Police Quarterly, Vol. 10, Number 1, pp. 41-62.
22. Day, K; Stump, C; Carreon, D (2003), Confrontation and loss of control: Masculinity and men's fear in public space, Journal of Environmental Psychology, Vol. 23, pp. 311- 322.
23. Blobaum, A; Hunecke, M (2005), Perceived danger in urban public space-The Impacts of Physical Features and Personal Factors, Environment and Behavior, Vol. 37, PP. 465-486.
24. Rothrock, Sara E (2010), Antiterrorism design and public safety: reconciling CPTED with the post 9/11, Massachusetts Institute of Technology. Dept. of Urban Studies and Planning.

25. Un-habitat(2007) (enhancing urban safety and security: global report on human settlement 2007 Nairobi Kenya.
26. Lubuva, j & Mtani, A (2004), Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam, Safety Audits for Women, Dar es Salaam, Tanzania.
27. Timothy, C. O (2006), Physical Deterioration, Disorder, and Crime, Criminal Justice Policy Review, Vol. 17, pp. 173-187.
28. Newman, O., "Defensible Space: Crime Prevention Macmillan, 1972.
29. Wilson and G. L. Knelling (1982), "Broken Windows"; The Atlantic Monthly, 1982, pp.29-38.
30. J. Jacobs, (1961)," The Death and life of Great American Cities", New York, NY: Vintage Books.
31. Lyon David (2007) Surveillance Security and Social Sorting Emerging Research Priorities International Criminal Justice Review September vol. 17 no. 3 161-17
32. Minnery John Lim Bill(2005) Measuring Crime Prevention Through Environmental Design Journal of Architectural And Plannig Research vol. 330.
33. Beeler, J. N (2011), Security Planning for Public Spaces: testing a proposed CPTED rating instrument in Berlin, Germany, A thesis presented to the graduate school of the university of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of arts in urban and regional planning.